

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۶، قوم خدا در عهد عتیق، کفاره، پرستش، سرزمین نبوت و مسیح

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر است. این جلسه ۶، قوم خدا در عهد عتیق، کفاره، پرستش، سرزمین، نبوت و مسیح است.

به سومین زیرعنوان خود تحت عنوان قوم خدا و کفاره می‌رسیم.

اولین مورد، قربانی‌های لاویان بود. دومی، روز کفاره در لاویان ۱۶ بود. سومین زیرعنوان تحت عنوان قوم خدا و کفاره، خدمتگزار قربانی خداوند در اشعیا ۵۳:۱۰ است. گسترده‌ترین متن عهد عتیق در مورد مرگ کفاره‌آور مسیح، اشعیا ۵۲:۱۳ تا ۵۳:۱۲ است، چهارمین سرود خدمتگزار که رنج وحشتناک او را به تصویر می‌کشد.

برای این منظور، به آیات ۵۲:۱۴ و ۵۳:۷ مراجعه کنید. اگرچه این متن شامل چندین مضمون کفاره است، در اینجا ما بر روی قربانی تمرکز می‌کنیم. آیه ۷ ممکن است به این موضوع اشاره داشته باشد وقتی می‌گوید: او مظلوم بود، رنج کشید، اما دهانش را نگشود، مانند بره ای که به کشتارگاه برده می‌شود، و مانند گوسفندی که در برابر پشم چینانش خاموش است، او نیز دهانش را نگشود. این می‌تواند به مسیح به عنوان قربانی اشاره داشته باشد.

با این حال، آیه ۱۰ به صراحت مرگ او را با عبارات قربانی بیان می‌کند. با این حال، اراده خداوند این بود که او را خرد کند و او را به غم و اندوه دچار کرده است. هنگامی که جان او قربانی گناه را تقدیم می‌کند، فرزندان خود را خواهد دید، روزهایش طولانی خواهد شد و اراده خداوند در دست او محقق خواهد شد.

آیه ۱۱. اگرچه بنده صالح خداوند بی‌گناه بود، آیه ۹، اما اراده خداوند این بود که او را له کند، آیه ۱۰ چگونه می‌توانیم له کردن بنده صالح خود را که گناه نکرده بود، در متن مجازات، توسط خداوند توضیح دهیم؟ او بی‌گناه بود؛ او هیچ خشونتی مرتکب نشده بود، آیه ۹، و هیچ فریبی در دهانش نبود.

به نظر می‌رسد که خدا ناعادلانه است، که البته غیرقابل تصور است. در یک خوانش پیش از ایمان، این برای خدا ناعادلانه به نظر می‌رسد، که پوچ است. دو واقعیت این گره را باز می‌کند.

اولاً، آن بنده خود را با میل و رغبت، نه تحت اجبار، تقدیم کرد. در آیه ۱۲، او جان خود را به کام مرگ ریخت. او اراده کرد که بمیرد.

دوم، و از همه مهم‌تر، رنج بنده جایگزین بود. ما آن را در آیات ۵ و ۶، ۸، ۱۱ و ۱۲ می‌بینیم. اشعیا رنج‌های بنده را با قربانی گناه یا جبران خسارت لاویان ۵ مرتبط می‌کند. آیه ۱۰ می‌گوید، هنگامی که جان او قربانی گناه را تقدیم می‌کند، نسل خود را خواهد دید، عمرش طولانی خواهد شد، اراده خداوند در دست او به انجام خواهد رسید.

قابل توجه است (asham) پیتز جنتری این ایده را توضیح می‌دهد و نقل می‌کند که استفاده از اصطلاح اشام قربانی گناه: جان بنده به عنوان قربانی گناه یا جبران خسارت داده می‌شود، نه به عنوان قربانی سوختنی یا تطهیر. اولاً، این قربانی بر جبران یا جبران خسارت برای نقض ایمان یا جرم تأکید دارد.

اسرائیل در اینجا توضیح می‌دهد و اشعیا در اینجا توضیح می‌دهد که چگونه به خاطر پی‌وفایی اسرائیل در عهد به خدا غرامت داده می‌شود. دوم، این قربانی، جبران هر نوع گناهی، چه سهوی و چه عمدی، را فراهم می‌کند به همین دلیل است که اشعیا در آیات ۱: ۵۴ تا ۱۳: ۵۵ می‌تواند نشان دهد که مرگ بنده، نه تنها برای اسرائیل، بلکه برای همه ملت‌ها، اساس بخشش گناهان است.

پیتر جنتری، نقل قول، مقاله‌ای در مورد کفاره در چهارمین سرود خدمتگزار اشعیا در مجله الهیات باپتیست جنوبی، جلد ۱۱، تابستان ۲۰۰۷، که از صفحه ۳۶ بود. هری اورلینسکی، یک محقق برجسته یهودی، این تفسیر را رد می‌کند و نقل می‌کند که، بزرگترین بی‌عدالتی، چیزی کمتر از کفر نبود که بی‌قانونان از مجازات خود به قیمت مطیعان قانون معاف شوند. در هیچ کجای کتاب مقدس عبری، کسی چنین آموزه‌ای را موعظه نکرده است که جایگزین میثاق، تعجب، شود که قربانی کردن بی‌گناهان را به جای و به عنوان جایگزینی قابل قبول برای گناهکار مجاز می‌دانست.

هری ام. اورلینسکی، به اصطلاح خادم خداوند و بنده رنج‌کشیده در کتاب اشعیا دوم، در کتاب مطالعاتی در بخش دوم کتاب اشعیا، بریل، ۱۹۶۷، صفحه ۶۸، به نقل از آلن گومز، کفاره در اشعیا ۵۳ در جلال کفاره که در ادامه از آن نقل قول خواهم کرد. من با احترام با اورلینسکی مخالفم. در یک جا، کتاب مقدس عبری تعلیم می‌دهد که مسیح کفاره‌ای کیفری و نیابتی انجام خواهد داد.

همین جا، در اشعیا ۱۰: ۵۳، آلن گرووز موافق است. بنابراین، من از اشعیا ۵۳ نقل قول می‌کنم که گرووز از زبانی استفاده می‌کند که به شیوه‌ای منحصر به فرد و بسیار غیرمعمول، گناه را به دوش می‌کشد. تحمل گناه برای بنده به معنای کفاره دادن اوست.

دقیقاً به وسیله‌ی آشکار شدن ماهیت خارق‌العاده‌ی تطهیر که اشعیا از آن سخن گفته است، این پیشگویی سهم متمایز خود را در تاریخ رستگاری ایفا می‌کند. تورات هیچ کفاره‌ای را که تطهیر جهانی و دائمی پیش‌بینی شده در اشعیا را ایجاد کند، نمی‌شناخت. بلکه، این امر با چیز جدیدی، اشعیا ۷: ۴۸، رنج شگفت‌انگیز یک اسرائیلی صالح، اشعیا ۱۳: ۵۲ تا ۱۲: ۵۳، که گناهان دیگران را بر دوش کشید، محقق می‌شد.

و باز هم، این اثر گرووز، کفاره در اشعیا، صفحات ۸۷ تا ۸۹ است. عهد عتیق زمینه اصلی مرگ عیسی به عنوان یک قربانی در عهد جدید است. اما فقط اشعیا کار کفاره مسیح را به صورت قربانی پیش‌بینی می‌کند.

همچنین، همانطور که در اشعیا ۱۰: ۵۳ آمده است، نشان می‌دهد که پس از تحقیر پسر، تعالی حاصل خواهد شد. نقل قول: او نسل خود را خواهد دید، عمرش طولانی خواهد شد، اراده خداوند در دست او به ثمر خواهد نشست، اشعیا ۱۰: ۵۳، در پایان. در اینجا، سرود، رستاخیز بنده را پیش‌بینی می‌کند، زمانی که نشان می‌دهد او پس از مرگ زنده می‌شود.

برای اطلاعات بیشتر در این مورد، به الک موتیر، پیشگویی اشعیا، ۴۴۰ و ۴۴۱، تفسیر او بر اشعیا، مراجعه کنید. تنها اسرائیل باستان، یهوه و بخشش گناهانی را که او از طریق سیستم قربانی خود فراهم می‌کرد می‌شناخت. بنی‌اسرائیل معتقد، مردمی بودند که خداوند را می‌شناختند، گناهانشان کفاره داده می‌شد و هرچند مبهم و از دور، به روزی چشم‌دوخته بودند که بنده خداوند، اشعیا، کفاره نهایی گناهان را پردازد.

به بخش بعدی قوم خدا در عهد عتیق می‌رسیم، و آن قوم خدا و پرستش است. پرستش اسرائیل متمایز است. این پرستش آنها را از سایر قوم‌ها متمایز می‌کند، زیرا نه تنها پرستش یهوه است، بلکه پرستشی است که یهوه به تفصیل به آن فرمان داده است.

این دسته از موارد قبلی ناشی می‌شود. از آنجا که خدا با ابراهیم، اسحاق و یعقوب پیمان بست، قوم او باید او را پرستش می‌کردند، پیدایش ۱۲: ۱ تا ۸. از آنجا که خدا اسرائیل را از میان همه ملت‌ها برگزید، قوم او باید او را پرستش می‌کردند، تثنیه ۱۰: ۱۲ تا ۲۲. از آنجا که خدا اسرائیل را از بردگی مصر رهایی بخشید، قوم او باید او را پرستش می‌کردند، خروج ۱۵: ۱ تا ۲۱.

از آنجا که شخصیت خدا هویت اسرائیل را تشکیل می‌داد، قوم او، می‌دانید چیست، مزمو ۱۴۵. از آنجا که خدا به اسرائیل آیین قربانی و کفاره داد، قوم او باید او را پرستش می‌کردند، خروج ۲۹:۴۳ تا ۴۶. خدا با قوم عهد عتیق خود رابطه‌ای انحصاری برقرار کرد.

او تنها با آنها پیمان بست، برگزید، نجات داد، شخصیت خود را آشکار کرد و برای آنها کفاره داد. در نتیجه قوم او می‌بایست او را و تنها او را پرستند. هویت آنها با پرستش یهوه گره خورده بود و نام خداوند را می‌خواندند.

بسیاری به پیدایش ۴:۲۶ به عنوان اولین اشاره به پرستش در کتاب مقدس اشاره می‌کنند. همانطور که در پیدایش ۴:۲۶ آمده است، در بدو تولد پسر شیث، انوش، می‌آموزیم که در آن زمان، مردم شروع به خواندن نام خداوند کردند. جک کالینز به ما می‌گوید که اصطلاح عبری «خواندن نام یک خدا» به معنای فراخوانی آن خدا در پرستش است، بدون اینکه بر نام خاصی که پرستش‌کننده با آن خدا را می‌خواند، تأکید شود، خواندن نام خداوند «در جای دیگری از پیدایش، ۱۲:۸، ۱۳:۴، ۲۱:۳۳، ۲۶:۲۵ آمده است. یک بار دیگر» که در آن با محراب‌ها و پرستش عمومی مرتبط است، ۱۲:۸، ۱۳:۴، ۲۱:۳۳، ۲۶:۲۵.

بنابراین، پیدایش ۴:۲۶، منشأ پرستش منظم الهی را توصیف می‌کند، نقل قول، کالینز، پیدایش ۱-۴، تفسیری با استناد به گوردون ونهام، این نامی است که من می‌خواستم پیدا کنم، *پیدایش*، PNR، زبانی، ادبی و الهیاتی تفسیر کتاب مقدس، صفحه ۱۱۶. ده فرمان، ۱۵-۱.

در مقدمه‌ی احکام، خداوند خود را به عنوان نجات‌دهنده‌ی اسرائیل معرفی کرد. من خداوند، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر، از محل بردگی، بیرون آوردم. اولین فرمان خدا این بود که شما خدایان دیگری غیر از من نخواهید داشت، خروج ۲۳.

دومین فرمان، ساختن و پرستش بت‌ها را ممنوع کرد. در برابر آنها سجده و پرستش نکنید. آنها را خدمت نکنید.

زیرا من، خداوند، خدای تو، خدای حسود هستم، خروج ۲۰، آیه ۵. پس از هشدار خشم خود بر شورشیان خداوند عشق وفادارانه خود را به هزار نسل از کسانی که او را دوست دارند و از او اطاعت می‌کنند، اعلام می‌کند، آیه ۶. هائوس بر اهمیت ده فرمان در این زمینه تأکید می‌کند، نقل قول می‌کند، خدا تمام خدایان دیگر را باطل اعلام می‌کند و پرستش انحصاری خود را فرمان می‌دهد، خروج ۲۰: ۱-۱۱، پولس هائوس *الهیات عهد عتیق*، صفحه ۸۸. اعیاد اسرائیل. لاویان ۲۳ اعیاد مقرر خداوند را توصیف می‌کند، نقل قول می‌کند، آیه ۲. سبت، عید فصح، نوب میوه‌ها، هفته‌ها، شیپورها، روز کفاره و خیمه‌ها، آیات ۳-۳۶.

بنی اسرائیل باید در این مناسبت‌ها به خداوند قربانی تقدیم می‌کردند. با این حال، اعیاد الهی اسرائیل بر پرستش و شکرگزاری از خدا متمرکز بود. مردم قربانی تقدیم می‌کردند، اما تمرکز بر خود خدا بود.

برای ذکر سه مثال، عید فصح، خروج را جشن می‌گرفت. خیمه‌ها، حمایت خدا از قومش در بیابان را به یاد می‌آوردند. بعدها، پوریم، رهایی یهودیان از توطئه مرگبار هامان را جشن می‌گرفت، استر ۹، ۲۷-۲۸.

خیمه و معبد. ما هنوز با پرستش خدا سر و کار داریم؛ پرستش خدای اسرائیل، قوم خدا را در عهد عتیق تعریف می‌کند. خیمه و معبد

خداوند به موسی دستور داد که خیمه‌ای مطابق الگوی آسمانی بسازد، خروج ۲۵:۹، عبرانیان ۸:۵. تا خداوند بتواند در میان قوم خود ساکن شود. نقل قول: آنها باید برای من پناهگاهی بسازند تا من در میان آنها ساکن شوم، خروج ۲۵:۸ و ۲۹:۴۵.

خیمه عبادت، مکانی قابل حمل برای عبادت بود که تا زمان ساخت معبد توسط سلیمان پادشاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. در خیمه، عبادت به دستور خدا با قربانی کردن حیوانات انجام می‌شد و همانطور که دیده‌ایم، در روز سالانه کفاره به اوج خود می‌رسید. هنگامی که خیمه تکمیل شد، خدا با پر کردن خیمه با جلال خود، یعنی ابر، تأیید کرد که با قوم خود ساکن خواهد شد، به طوری که حتی موسی نیز نمی‌توانست وارد آن شود، همانطور که در خروج ۳۳:۳۰-۴۰ نیز دیده‌ایم.

پرستش خدا تحت رهبری پادشاه داوود، یک موسیقیدان و ترانه‌سرا، رونق گرفت. او بیش از 10٪ از لایوان را برای خدمت در معبد کنار گذاشت و 4000 نفر با سازهایی که من برای ستایش ساخته‌ام، خداوند را ستایش خواهند کرد، اول تواریخ 23: 5. خداوند موسیقی را بخش عمده‌ای از پرستش عهد عتیق، از جمله گروه‌های کر و موسیقی بی‌کلام، قرار داد.

محققان سرودهای مذهبی را که سرشار از ستایش خداوند هستند، به عنوان ژانر کلیدی مزامیر می‌دانند. به کتاب «چگونه مزامیر را بخوانیم» نوشته‌ی ترمیر لانگمن، صفحات ۲۴-۲۶ مراجعه کنید. اگرچه خداوند داوود را از ساختن معبد منع کرد، اما او قبل از مرگش مقدمات گسترده‌ای را برای ساخت آن فراهم کرد، اول تواریخ ۲۲:۵ و ۱۴.

قرار بود معبد، به نقل از آیه ۱۹، پناهگاه خداوند خدا باشد. هنگامی که معبد تکمیل شد، تقدیس شد و سلیمان دعایی فروتنانه خواند و عظمت سکونت خدا بر روی زمین در معبد را تصدیق کرد، دوم تواریخ، سپس معجزه‌ای رخ داد که یادآور خیمه عبادت بود، به محض اینکه سلیمان دعای خود را تمام کرد. ۱۸: ۶. آتش از آسمان نازل شد و قربانی سوختنی و قربانی‌ها را سوزاند و جلال خداوند معبد را پر کرد.

و کاهن نتوانست وارد خانه خداوند شود، زیرا جلال خداوند خانه خداوند را پر کرده بود. وقتی همه قوم اسرائیل آتش فروریخته و جلال خدا را در معبد دیدند، روی سنگفرش به خاک افتادند و خداوند را پرستش و شکر کردند و گفتند: « زیرا او نیکوست، زیرا عشق پایدار او تا ابد پایدار است) «دوم تواریخ ۷: ۱-۳»

سایر مردمان باستانی خاور نزدیک معابدی داشتند که به خدایان خود اختصاص داده شده بود، اکثر آنها این کار را کردند، اما هیچ‌کدام بر اساس کلام خدای زنده و حقیقی، خالق آسمان‌ها و زمین، خیمه و معبدی نساختند. هیچ‌کدام از آنها شاهد جلال خدا نبودند و در زمان وقف، سازه عبادت را طوری القا نکردند که هیچ انسانی نتواند وارد آن شود، و هیچ‌کدام از آنها با پرستش یهوه، که قوم خود را از بردگی مصر رهایی بخشید و از طریق ابراهیم، موسی و داوود با آنها پیمان بست، تعریف نشدند. قوم عهد عتیق خدا به عنوان قومی شناخته می‌شدند که خداوند، خدای خود را می‌پرستیدند.

ما متأسفیم که آنها اغلب به آن افتخار عمل نکردند. عنوان بعدی، قوم خدا و سرزمین. از ابتدا، خدا قصد داشت به قوم خود سرزمین، باغ عدن، سرزمین موعود و در نهایت، آسمان جدید و زمین جدید را بدهد.

بنابراین او قوم خود را با سرزمین، عدن، و سیل یکی دانست. تدارک خدا برای قومش شامل زمین نیز می‌شد. خدا آدم و حوا را آفرید و آنها را در سرزمینی، باغ عدن، قرار داد.

پیدایش ۲: ۸ و ۲: ۱۵. در زمان نوح، به دلیل شرارت فراگیر جهانی، خداوند سیل بزرگی را نازل کرد و، نقل قول
هر موجود زنده‌ای را که بر روی زمین بود، به ویژه انسان‌های شرور، از بین برد. پیدایش ۷: ۲۳.

خدا فقط نوح و خانواده‌اش را نجات داد. پس از پاکسازی زمین در سیل، خدا به نوح قول داد که من عهد
خود را با تو استوار می‌کنم و دیگر هرگز هیچ موجودی توسط آب سیل از بین نخواهد رفت. دیگر هرگز سیلی
نخواهد آمد که زمین را نابود کند.

پیدایش ۹: ۱۱. وعده خدا به ابراهیم، اسحاق و یعقوب. خداوند در اور بر ابراهیم ظاهر شد و به او وعده
ملتی بزرگ و نامی بلند داد، اینکه او مایه برکت دیگران خواهد بود و خدا به واسطه او، به نقل از او، همه
مردمان زمین را برکت خواهد داد.

پیدایش ۱۲: ۲ و ۳. اما اول، خدا به او گفت، از سرزمین خود، از خوبشاوندانت و از خانه پدرت به سرزمینی
که به تو نشان خواهم داد، برو. پیدایش ۱۲: ۱. پیدایش ۱۲: ۳ نمی‌گوید همه ملت‌های زمین

می‌گویند همه خانواده‌های زمین. پیدایش ۲۲ بعداً می‌گوید همه ملت‌های زمین. خداوند وعده سرزمین خود را
به پسر ابراهیم، اسحاق، تکرار کرد.

پیدایش ۳: ۲۶-۴ و به نوه‌اش یعقوب. پیدایش ۴: ۲۸-۱۳. آنها وارد سرزمین موعود نشدند، اما به وعده خدا
برای آنچه نمی‌توانستند ببینند، اعتماد کردند.

عبرانیان، رؤیای ابراهیم را حتی فراتر از این تصویر می‌کند. نقل قول، او مشتاقانه منتظر شهری بود که
پایه‌هایش را خدا بنا نهاده است. عبرانیان ۱۱-۱۰.

یعنی، در نهایت، ابراهیم از دوردست‌ها، به طور مبهمی به آسمان و زمین جدید چشم دوخته بود. فتح تحت
رهبری یوشع. اگرچه بنی اسرائیل از خدا نافرمانی کردند و مجبور شدند ۴۰ سال در بیابان سرگردان باشند، اما
سرانجام، فرزندانشان تحت رهبری یوشع وارد سرزمین موعود شدند.

خدا سخنان موسی را به او یادآوری کرد. نقل قول کن، به یاد داشته باش که موسی، بنده خداوند، چه فرمانی
به تو داد وقتی که گفت خداوند به تو آرامش خواهد داد. او این سرزمین را به تو خواهد داد.

یوشع ۱-۱۳. قوم در جنگی مقدس جنگیدند و به لطف و قدرت خدا، بخش زیادی از سرزمین را فتح کردند
، اما آنها کاملاً از خداوند اطاعت نکردند و به برخی از کنعانیان اجازه زندگی دادند. با این وجود، از دیدگاه خدا
نقل قول، خداوند تمام سرزمینی را که به اجدادشان سوگند خورده بود به اسرائیل داد و آنها آن را تصرف
کردند و در آنجا ساکن شدند.

این یک نقل قول است. خداوند مطابق آنچه به اجدادشان قسم خورده بود، از هر طرف به آنها آرامش
بخشید. هیچ یک از دشمنانشان نتوانستند در برابر آنها بایستند، زیرا خداوند همه دشمنانشان را به دست
آنها تسلیم کرد.

هیچ یک از وعده‌های نیکویی که خداوند به خاندان اسرائیل داده بود، به شکست نینجامید. همه چیز به
انجام رسید. یوشع ۴۳: ۲۱-۴۵.

پادشاهی متحد، تقسیم شده و تبعید شده بود. از ابتدا، خدا برای قومش نقشه کشیده بود که در سرزمین خود زندگی کنند و توسط پادشاهی که تحت فرمان خدا حکومت خواهد کرد، اداره شوند. پیدایش ۴۹-۸-۱۰.

عصای سلطنت از یهودا جدا خواهد شد. تثنیه ۱۴:۱۷-۲۰. خدا از اینکه بنی اسرائیل او را به عنوان پادشاه رد کردند و خواستند مانند سایر ملت‌ها پادشاه باشند، ناراضی بود.

اول سموئیل ۸:۷. مردم در شورش، شائول را به عنوان اولین پادشاه خود انتخاب کردند، مردی که از خدا ناامید شده بود و خدا او را رد کرده بود. اول سموئیل ۱۴:۱۶.

خداوند داوود را به عنوان پادشاه منصوب کرد و اگرچه داوود مرتکب گناهان زنا و قتل شد، اما خداوند را که باعث پیشرفت قومش شد، دوست داشت و از او اطاعت کرد. داوود اورشلیم را فتح کرد، ملت‌های خارجی را مطیع خود ساخت و عبادت را متمرکز کرد. در زمان داوود، پادشاهی با متحد کردن قبایل، شکست دادن فلسطینیان و تحقق وعده خداوند به ابراهیم در مورد سرزمین در پیدایش ۱۸:۱۵، گسترش یافت.

سلیمان، پسر داوود، پادشاهی را به بیشترین وسعت خود رساند، که شامل تقریباً تمام اسرائیل و فلسطین، امروزی و بخش‌هایی از غرب سوریه می‌شد. اول پادشاهان ۲۳:۴-۲۵. متأسفانه، پس از مرگ سلیمان پادشاهی به اسرائیل در شمال با ده قبیله، تحت حکومت یربعام و یهودا در جنوب با بنیامین و یهودا، تحت حکومت رحبعام، پسر سلیمان، تقسیم شد.

پادشاهی شمالی مرتد بود و به پرستش دروغین و شورش علیه خدا مشغول بود تا اینکه خدا آنها را در سال قبل از میلاد تحت سلطه آشوریان به تبعید و اسارت فرستاد. دوم پادشاهان ۶:۱۷. پادشاهی جنوبی تا ۷۲۲ زمانی که خدا آنها را به بابل‌ها تسلیم کرد، ادامه داشت. آنها معبد را ویران کردند و مردم را در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به بابل بردند.

دوم تواریخ ۱۷:۳۶-۲۱. ارمیا ۱۱:۲۵.

دوم تواریخ ۱۷:۳۶-۲۱. ارمیا ۱۱:۲۵.

بازگشت از اسارت و وعده عهد جدید. خداوند بنی اسرائیل را به دلیل گناهانشان از سرزمینشان بیرون راند و سپس با برانگیختن کوروش، پادشاه پارس، برای اجازه بازگشت آنها و با برانگیختن دو رهبر کلیدی، عزرا و نحمیا، آنها را بازگرداند. عزرا رهبری تجدید پرستش اسرائیل، از جمله بازسازی معبد را بر عهده داشت، در حالی که نحمیا رهبری بازسازی اورشلیم، از جمله دیوارهای آن را بر عهده داشت.

هاوس درست می‌گوید. نقل قول، بازگشت گروه عزرا به سرزمین، نیاز بازماندگان را برای متمایز شدن جهت تحقق وعده سرزمین ابراهیم برجسته می‌کند. پیدایش ۹:۱۲ را مقایسه کنید.

و به وعده‌های مربوط به توبه و بازگشت که خداوند در تثنیه 30، 1-10 می‌دهد، جامه عمل بپوشانیم، هاوس، *الهیات عهد عتیق*، صفحات 516-517. خداوند در بازگرداندن قوم خود به سرزمین عهدشان هویت آنها را به عنوان قومی که به این سرزمین تعلق دارند و طبق عهد خدا، متعلق به آنهاست، برجسته می‌کند.

این سرزمین دوباره بخشی از هویت آنها می‌شود. در واقع، هرگز از هویت آنها جدا نشد، زیرا حتی در اسارت نیز آرزوی دیدن دوباره آن را داشتند. به نقل از مزمو ۱۳۷: ۱-۶.

کنار رودخانه‌های بابل، آنجا نشستیم و گریستیم. وقتی صهیون را به یاد آوردیم، بربط‌هایمان را بر درختان سپیدار آویختیم. اسیران ما در آنجا از ما سرود خواستند و شکنجه‌گران ما شادمان شدند و یکی از سرودهای صهیون را برای ما خواندند.

چگونه می‌توانیم سرود خداوند را در خاک بیگانه بخوانیم؟ اگر اورشلیم را فراموش کنم، باشد که دست راستم مهارت خود را فراموش کند. باشد که زبانم به سقف دهانم بچسبد اگر تو را به یاد نیاورم. اگر اورشلیم را به عنوان بزرگترین شادی خود ستایش نکنم.

مزمور ۱۳۷: ۱-۶. همچنین، همانطور که ارمیا در آیات ۳۰: ۱-۱۱، ۱۸-۲۲ و ۳۲: ۱-۴۴، و حزقیال در آیات اشاره کردند، همانطور که ارمیا و حزقیال اشاره کردند، بازگشت به سرزمین ۲۸-۲۴: ۳۶، ۱۵-۱۱: ۳۴، مقدمه‌ای برای تحقق عهد جدید بود. عهد جدید ما را به عیسی مسیح به عنوان واسطه و در نهایت به آسمان و زمین جدید برای تحقق کامل آن هدایت می‌کند.

ارجاعات به کتاب ارمیا عبارت بودند از: ارمیا ۳۰، آیات ۱-۱۱، و آیات ۱۸-۲۲، ارمیا ۳۲، آیات ۱-۴۴، حزقیال ۱۱: ۳۴-۱۵، و حزقیال ۲۴: ۲۸-۳۶.

آسمان‌های جدید و زمین جدید آخرین عنوان فرعی ما در زیر زمین است. عهد جدید، تحقق عهد ابراهیمی است. پیدایش، بپخشید، غلاطیان ۳: ۱۵-۲۹، عبرانیان ۶: ۱۳-۲۰.

غلاطیان ۳: ۱۵-۲۹، عبرانیان ۶: ۱۳-۲۰. از دیگر ویژگی‌های تحقق، وعده زمین است. هنگامی که خدا با ابراهیم عهد بست، خدا اعلام کرد که این سرزمین را از نهر مصر تا نهر بزرگ، یعنی رود فرات، به فرزندان تو خواهم داد، سرزمین قینیان، قزبان، قدمونیان، حتیان، فرزبان، رفائیان، اموریان، کنعانیان، جرجاشیان و یبوسیان.

پیدایش ۱۷: ۱۵-۲۱. عیسی، واسطه عهد جدید، عبرانیان ۹: ۱۵، آن را با مرگ خود، لوقا ۲۰: ۲۲، و رستاخیز عبرانیان ۱۳: ۲۰، تأیید کرد. نتایج شگفت‌انگیزی برای مؤمنان به دنبال دارد، از جمله بخشش گناهان، متی و میراث ابدی، عبرانیان ۹: ۱۵، و رستاخیز که منجر به زندگی ابدی در زمین جدید می‌شود، اول، ۲۸-۲۷: ۲۶، قرن‌تینان ۲۰: ۱۵-۲۲.

شگفت‌آورتر اینکه، کار نجات‌بخش عیسی بسیار باشکوه است، و زمین را نیز از لعنتش نجات می‌دهد. مکاشفه می‌گوید، دیگر لعنت وجود ندارد. در عوض، عیسی نه تنها مؤمنان، بلکه خلقت را نیز آشتی داد ۲۲: ۳.

زیرا خدا را پسند آمد که کمال الوهیت در مسیح به صورت جسمانی ساکن شود، و از طریق او همه چیز را، چه آنچه بر زمین است و چه آنچه در آسمان است، با خود آشتی دهد، با ایجاد صلح از طریق خون ریخته شده او بر روی صلیب). کولسیان ۱: ۱۹-۲۰ (پولس همین حقیقت را تعلیم می‌دهد، این بار به زبان رستگاری).

زیرا خلقت تسلیم بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به خاطر او که آن را تسلیم کرد، به این امید که خود خلقت نیز از قید فساد رهایی یابد و در آزادی باشکوه فرزندان خدا جای گیرد. رومیان ۸: ۲۰-۲۱. عهد عتیق این آموزه را پیش‌بینی کرده بود، زیرا اشعیا نوشته است، نقل قول کنید، زیرا من آسمان‌های جدید و زمین جدید خواهم آفرید.

وقایع گذشته به یاد نخواهند آمد و به ذهن خطور نخواهند کرد. پس، از آنچه من خواهم آفرید، شادمان باشید و تا ابد شادی کنید. زیرا من اورشلیم را مایه شادی و مردم آن را مایه شادی خواهم آفرید.

اشعیا ۱۷: ۶۵ و ۱۸. عیسی از تجدید حیات سخن گفت و نقل قول کرد، من نقل قول می‌کنم، وقتی پسر انسان بر تخت جلال خود بنشیند، به شاگردانش می‌گوید، شما نیز بر ۱۲ تخت خواهید نشست و قبایل اسرائیل را داوری خواهید کرد. متی ۱۹-۲۸، کتاب مقدس استاندارد آمریکایی جدید

پطرس مشتاقانه منتظر همین نقل قول بود، اما بر اساس وعده او، ما منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدید هستیم، جایی که عدالت ساکن خواهد بود. دوم پطرس ۱۳: ۳. عهد جدید پس از بازگشت مسیح، رستاخیز مردگان و داوری نهایی به طور کامل محقق خواهد شد.

مکاشفه ۲۱. آنگاه آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان و زمین اول از بین رفته بودند و دیگر دریایی وجود نداشت. همچنین شهر مقدس، اورشلیم جدید، را دیدم که از آسمان از جانب خدا نازل می‌شد، آماده شده مانند عروسی که برای شوهرش آراسته شده باشد.

آنگاه از تخت، صدای بلندی شنیدم که می‌گفت: «ببین، مسکن خدا با آدمیان است. او با آنها خواهد زیست.»

آنها قوم او خواهند بود و خود خدا با آنها خواهد بود و خدای آنها خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. دیگر مرگی نخواهد بود.

غم، گریه و درد دیگر وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای رایج از بین رفته‌اند. سپس آن که بر تخت نشسته بود گفت: «ببینید، من همه چیز را از نو می‌سازم.» مکاشفه ۲۱: ۵

خداوند قوم خود را برای همیشه بر روی زمینی نو شده خواهد نشانید. از آفرینش آسمان و زمین و باغ عدن گرفته تا آسمان‌ها و زمین جدید، خداوند همیشه این نقشه را داشته که قومش در زمینی که به آنها خواهد داد، از نظر جسم و روح متحد باشند. در واقع، آنها قوم او هستند که با سرزمین او شناخته می‌شوند.

آخرین موضوع ما قوم خدا، نبوت و مسیح است. بفرمایید. پیامبران

خداوند قوم خود را با پیامبرانش معرفی کرد. آنها سخنگویان او بودند که از طرف او با قومش صحبت می‌کردند. خدا به آنها هشدار داد که هنگام ورود به سرزمین موعود، از اعمال نفرت‌انگیز ملت‌ها اجتناب کنند. تثنیه ۱۸-۱۹.

این موارد شامل سوزاندن کودکان به عنوان قربانی برای بت‌ها و اعمالی بود که برای دستکاری به اصطلاح خدایان طراحی شده بود، از جمله پیشگویی، جادو، تعبیر فال، طلسم و ارتباط با مردگان برای پیش‌بینی آینده. تثنیه ۱۸: ۱۰-۱۳. قوم خدا نباید سعی کنند از این راه‌ها با او تماس بگیرند، آیه ۱۴.

در عوض، آنها باید کلام خدا را از یکی از میان خودشان، که خداوند او را می‌فرستد، دریافت کنند. موسی گفت خداوند، خدای شما، پیامبری مانند من را از میان برادرانتان برای شما مبعوث خواهد کرد. شما باید به او گوش دهید، آیات ۱۵ و ۱۸.

خداوند قوم خود را با پیامبر یکی می‌داند، زیرا او یکی از برادران خودشان است. او نماینده خدا در برابر آنهاست. و آنها پیام خدا را از او دریافت می‌کنند. من در نوشتن این بخش کمک گرفتم.

این کتاب محبوبی است، اما می‌خواهم شما هم در مورد آن بدانید. ون لیز و رابرت پترسون، عیسی در پیشگویی، چگونه زندگی مسیح پیش‌بینی‌های کتاب مقدس را محقق می‌کند. ون لیز و رابرت پترسون، عیسی در پیشگویی، چگونه زندگی مسیح پیش‌بینی‌های کتاب مقدس را محقق می‌کند.

امیدوارم ظرف چند ماه آینده دوباره از طریق آمازون در دسترس قرار گیرد. ناشر کوچک اولیه آن فروشگاه خود را تعطیل کرد. مردم باید به پیامبر خدا گوش فرا دهند، زیرا او گفت: «من سخنان خود را در دهان او خواهم گذاشت، تثنیه ۱۸-۱۸، و او هر آنچه را که من می‌گویم به آنها خواهد گفت».

به او فرمان بده، به او فرمان بده. خدا هر کسی را که به سخنان او که از طریق پیامبرش گفته شده گوش ندهد، پاسخگو خواهد دانست، آیه ۱۹. پیامبران دروغین باید کشته شوند، آیه ۲۰.

مردم می‌توانند پیامبران حقیقی را از پیامبران دروغین تشخیص دهند، زیرا کلام پیامبران خدا، برخلاف کلام پیامبران دروغین، آیه ۲۲، به حقیقت خواهد پیوست. پیشگویی‌های تثنیه ۱۸ از کل نهاد نبوتی خدا سخن می‌گوید که در عیسی مسیح به اوج خود می‌رسد. اعمال رسولان ۴: ۲۲-۲۳ او را در نهایت همان پیامبری معرفی می‌کند که موسی پیشگویی کرده بود.

نبوت‌های آنها، انبیا، و نبوت‌های آنها. خدا قوم عهد عتیق خود را به عنوان کسانی که کلام خدا به آنها نازل شد، معرفی کرد، زیرا، نقل قول، مدت‌ها پیش، در زمان‌های بسیار و به طرق مختلف، خدا از طریق انبیا با پدران ما سخن گفت، عبرانیان ۱: ۱. به طور عمده، انبیا خدا با زمان حال سخن می‌گفتند، زیرا پیام تغییر دهنده زندگی خدا را برای معاصران خود می‌آوردند.

برای مثال، اشعیا در درجه اول پیام داوری خدا علیه اسرائیل سرکش را ابلاغ کرد. نبوت‌های اشعیا که تعدادشان کمتر بود، همچنین از آینده، منجی موعود، سخن می‌گفتند. بنابراین، نبوت با زمان حال سخن می‌گفت؛ ما آن را پیشگویی و آینده را پیشگویی می‌نامیم.

پیشگویی در زمان حال، پیشگویی در آینده. خدا پیشگویی کرد که فرزندان ابراهیم به مدت ۴۰۰ سال، عددی گرد، در یک ملت بیگانه برده خواهند بود و خدا ملتی را که به عنوان نمونه به آنها خدمت می‌کنند، داوری خواهد کرد و پس از آن، آنها با دارایی‌های فراوان بیرون خواهند رفت، پیدایش ۱۵-۱۴. خدا این سخنان را با بلاهایی علیه مصر و رهایی قومش از بردگی به تحقق رساند، خروج ۱۲.

مصریان که از رفتن بنی‌اسرائیل خوشحال بودند، آنها را با طلا و نقره روانه کردند، خروج ۳۵: ۱۲-۳۶. خدا پیشگویی کرد که به دلیل شورش علیه او، پادشاهی جنوبی یهودا به مدت ۷۰ سال توسط بابل به اسارت گرفته خواهد شد. ارمیا ۱۱: ۲۵.

او همچنین پیشگویی کرد که خدا بابل را به خاطر گناهانش نابود خواهد کرد، ارمیا ۱۲: ۲۵. این پیشگویی‌ها زمانی به وقوع پیوست که بابل بنی‌اسرائیل را شکست داد و آنها را برد، دوم پادشاهان ۱: ۲۵-۱۲. و هنگامی که بابل و پادشاهش سرنگون شدند، دانیال فصل ۵. پیشگویی‌های مسیح.

ما می‌خواهیم به پسر سلطنتی داوود، نگاهی دیگر به بنده رنج‌کشیده اشعیا، پسر انسان دانیال، نگاهی بیندازیم و سپس نتیجه‌گیری کنیم. نه تنها نبوت‌ها، انبیا، نبوت‌های انبیا و مسیح، بلکه قوم خدا در عهد عتیق. پیامبر پیشگویی‌هایی درباره مسیح بیان کرد.

پیامبر از آمدن موعود، مسیح، در آینده سخن گفت، اگرچه آنها اغلب از این کلمه استفاده نمی‌کردند. ما سه مضمون اصلی مسیحایی را از عهد عتیق بررسی خواهیم کرد. پسر سلطنتی داوود، بنده رنج‌کشیده اشعیا، پسر انسان دانیال.

پسر سلطنتی داوود. خداوند درخواست داوود برای ساختن خانه‌ای برای او را رد کرد و در عوض گفت که نام داوود را بزرگ خواهد ساخت، او را از دشمنانش رهایی خواهد بخشید و خانه‌ای برای او خواهد ساخت، دوم سموئیل ۷: ۹-۱۱. منظور خدا از خانه، سلسله‌ای سلطنتی بود که از داوود به وجود خواهد آمد.

خداوند یکی از خادمان داوود را بر تخت سلطنت خواهد نشاند، او معبدی خواهد ساخت، و خداوند، نقل قول، تخت پادشاهی خود را برای همیشه برقرار خواهد کرد، نقل قول بسته. دوم سموئیل ۱۳: ۷، مزامیر و ۴، مزامیر ۸۹: ۳۵ تا ۳۷. خداوند درباره سلیمان سخن گفت، کسی که وعده داده بود با او مانند ۸۹: ۳. پسرش با عشقی پایدار رفتار کند.

خداوند به داوود اطمینان داد، نقل قول، خانه و پادشاهی تو تا ابد در حضور من پایدار خواهد ماند، و تخت تو تا ابد استوار خواهد ماند، دوم سموئیل ۷: ۱۶. این همان نهاد عهد داوودی است که قبلاً درباره آن صحبت کردیم. سلسله پادشاهان داوودی که این عهد برقرار می‌کند، در سلطنت پسر بزرگ داوود، عیسی مسیح، به اوج خود می‌رسد.

اشعیا به مسیح به عنوان وارث سلسله داوود شهادت می‌دهد. اشعیا ۹: ۶ و ۷. زیرا فرزندى برای ما متولد خواهد شد، پسری به ما داده خواهد شد و حکومت بر دوش او خواهد بود. او مشاور شگفت‌انگیز، خدای قادر، پدر ابدی و شاهزاده صلح نامیده خواهد شد.

قلمرو او وسیع خواهد بود و سعادت او هرگز پایان نخواهد یافت. او بر تخت داوود و بر قلمرو او سلطنت خواهد کرد تا آن را از اکنون و تا ابد با عدالت و راستی برقرار و پایدار سازد. غیرت خداوند لشکرها این را به انجام خواهد رساند.

اشعیا ۹: ۶ و ۷. همانندی مسیح با قومش در کلمات «برای ما» و «و» برای ما «در سطر اول نقل قول یافت می‌شود. برای ما، فرزندى به دنیا می‌آید، پسری عطا می‌شود. این ایده زمانی تقویت می‌شود که از نقش موعود آگاه می‌شویم.

او تا ابد بر قوم خدا حکومت خواهد کرد. عهد جدید هیچ شکی در مورد اینکه پسر نهایی داوود کیست، باقی نمی‌گذارد. پس از اینکه جبرئیل به مریم می‌گوید که او پسری به دنیا خواهد آورد که نامش را عیسی خواهد گذاشت، می‌گوید، نقل قول می‌کند، او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال نامیده خواهد شد، و خداوند خدا تاج و تخت پدرش داوود را به او خواهد داد.

او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را پایانی نخواهد بود. لوقا ۱: ۳۲ تا ۳۳. پسر مریم، پسر خداست.

او نه تنها به نمایندگی از قوم خود خواهد مرد، بلکه تا ابد بر تخت داوود بر آنها سلطنت خواهد کرد. زبان عبری، عظمت پسر خدا را بر واسطه‌های وحی عهد عتیق، چه پیامبران و چه فرشتگان، ارج می‌نهد. نشستن او در دست راست خدا در آسمان، تاجگذاری اوست.

وقتی پدر اعلام می‌کند، نقل قول می‌کند، تو پسر من هستی، امروز من پدر تو شده‌ام، یا دوباره می‌گوید، من پدر او خواهم بود، او پسر من خواهد بود، به ترتیب با استناد به مزمو ۲: ۷ و دوم سموئیل ۷: ۱۵. در اینجا

به زبان عهد داوود، پسر خدا به عنوان پادشاه آسمانی بر قوم خود تاجگذاری می‌کند. عیسی پسر سلطنتی خدا داوود به طور کامل است و به همین ترتیب او اکنون از آسمان بر قوم خود سلطنت می‌کند و تا ابد بر تمام قوم رستاخیز یافته خدا در زمین جدید سلطنت خواهد کرد.

او بدین ترتیب قوم خدا را کسانی تعریف می‌کند که در برابر او زانو می‌زنند و او را به عنوان خداوند اعتراف می‌کنند. بنده رنج کشیده اشعیا. دومین مضمون اصلی مسیحایی، بنده خداوند در اشعیا است.

این بنده در چهار سرود ظاهر می‌شود که آخرین آنها اشعیا ۵۲:۱۳ تا ۵۳:۱۲ است. اگرچه اغلب به رسمیت شناخته نمی‌شود، اما تحقیر بنده در متن سرود با کلماتی از تجلیل او در ابتدا و انتها محدود شده است. او بسیار متعالی خواهد شد، ۵۲-۱۳، و غنیمتی از قدرتمندان دریافت خواهد کرد.

او با قدرتمندان غنیمت خواهد گرفت، اشعیا ۵۳:۱۲. این شمول، کلماتی را که رنج وحشتناک آن بنده را به تصویر می‌کشند، احاطه کرده است. آن بنده بی‌گناه بود، زیرا خدا او را بنده صالح من می‌نامد، ۵۳:۱۱، و می‌گوید که او هیچ خشونتی نکرده و فریبی نگفته است.

فریب از دهانش بیرون نیامد، آیه ۹. علاوه بر این، رنج رهایی بخش این بنده، همانطور که پیامبر می‌گوید داوطلبانه بود. او با میل و رغبت تسلیم مرگ شد و در میان شورشیان مورد انتقاد قرار گرفت. با این حال، او گناه بسیاری را بر دوش کشید و برای شورشیان شفاعت کرد، آیه ۱۲.

اشعیا تصاویر کفاره دهنده ای از بنده رنج دیده ترسیم می‌کند. او با انجام جایگزینی، قوم خود را نجات خواهد داد. او به دلیل عصیان ما سوراخ شد.

او به خاطر گناهان ما زخمی شد. او به خاطر گناهان ما له شد. تأدیبی که برای ما آرامش به ارمغان آورد بر او آمد، و با زخم‌های او ما شفا یافتیم.

هر یک از ما به راه خود برگشته‌ایم، و خداوند گناه همه ما را بر او نهاده است. بنده نیز قربانی را انجام می‌دهد. و به توجیه منجر می‌شود، آیات ۱۰ و ۱۱ از اشعیا ۵۳.

با این حال، خواست خداوند این بود که او را نابود کند. او او را به غم و اندوه دچار کرده است. هنگامی که جانش قربانی گناه می‌دهد، قربانی خود را خواهد دید، عمرش طولانی خواهد شد و اراده خداوند در دست او به انجام خواهد رسید.

آیه ۱۱، از رنج جان خود، خواهد دید و سیر خواهد شد. بنده صالح من، به دانش خود، بسیاری را عادل خواهد شمرد و گناهان ایشان را بر خود حمل خواهد کرد. پیروزی.

آیه ۱۰ دوباره می‌گوید، او قربانی خود را خواهد دید، عمرش را طولانی خواهد کرد و اراده خداوند در دست او به انجام خواهد رسید. بنده صالح خداوند با قوم خود یکی است، زیرا او نه تنها برای آنها کفاره می‌کند، بلکه به جای آنها نیز کفاره می‌دهد. همانطور که قبلاً خواندیم، فداکاری او کسانی را که نتوانستند خود را نجات دهند، نجات می‌دهد.

در نتیجه، قوم عهد عتیق خدا به عنوان کسانی قابل شناسایی هستند که بنده خداوند برایشان جان داده است، به عنوان کسانی که او برایشان کفاره داده است. آنها مردمی هستند که گناهانشان به دلیل رنج نیابتی بنده تا مرگ بخشیده شده است. ویرایش چهارم انجمن متحد کتاب مقدس، عهد جدید یونانی، هفت نقل قول از عهد جدید از اشعیا ۵۲:۱۵ تا ۵۳:۱۲ را فهرست کرده است.

واضح است که چهارمین سرود خدمتگزاری اشعیا تأثیر قابل توجهی بر نویسندگان مختلف عهد جدید، از جمله متی، لوقا، اعمال رسولان، یوحنا، پولس و پطرس داشته است. دلیل این امر آن است که بنده رنج کشیده‌ای که به تعریف قوم عهد عتیق خدا کمک کرد، ناجی جهان بود. دانیال، پسر انسان، سومین تصویر اصلی مسیحایی در دانیال یافت می‌شود.

پیامبر رؤیایی از چهار جانور ترسناک دید که او را وحشت‌زده کردند، دانیال ۷ آیات ۱۵ و ۲۸، و بعداً، او فهمید که دومی نمایانگر چهار پادشاه و پادشاهی‌های آنهاست. دانیال صحنه‌ای از دادگاه آسمانی را ثبت می‌کند که در آن خدا، قدیم‌الایام، ریاست می‌کرد. او به عنوان فردی پاک، با تختی که با لباس سفید و موهایی که پایی را تداعی می‌کند، بر روی عرش اربابه‌اش، نمایان شد؛ حزقیال ۱ را مقایسه کنید، حضور او با تخت و چرخ‌های آتش نمادین شده بود، دانیال ۷:۹. تعداد زیادی از خدمتگزاران در این صحنه آسمانی مشارکت دارند.

مراحلی که در دانیال ۷:۱۰ آمده است، زمانی که دادگاه برای قضاوت تشکیل جلسه داد و دفترها گشوده شدند، آیه ۱۰. و خدا شروع به داوری جانوران کرد، آیات ۱۱ و ۱۲. سپس به اصل موضوع مورد بحث خود می‌رسیم.

دانیال در دانیال ۷:۱۳ و ۱۴ نقل می‌کند. و در رؤیاهای شب دیدم که اینک با ابرهای آسمان، کسی مانند پسر انسان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و به حضور او آورده شد و به او سلطنت و جلال در پادشاهی داده شد تا همه قوم‌ها، ملت‌ها و زبان‌ها او را خدمت کنند. سلطنت او پادشاهی جاودانی است، سلطنت جاودانی که از بین نخواهد رفت و پادشاهی او نابود نخواهد شد.

این کیست که شبیه پسر انسان است؟ این نام به یک انسان اشاره دارد و یادآور خلقت بشریت به تصویر خدا در پیدایش ۱:۲۶، ۲۷ است. اما ابرهای که پسر انسان بر روی آنها می‌آید، همانطور که اغلب در کتاب مقدس آمده است، حضور خدا را نشان می‌دهند. علاوه بر این، پسر انسان در برابر قدیم‌الایام ظاهر می‌شود و خدا به پسر انسان در پادشاهی‌اش سلطنت و جلال می‌دهد تا همه مردم در هر کجا و با هر زبانی او را خدمت کنند.

دانیال ۷:۱۳، ۱۴. دریافت سلطنت، افتخار و حکومت او دوباره ما را به یاد آدم در پیدایش ۱:۲۸ می‌اندازد. با این وجود، ابرها نشان دهنده کرامت الهی هستند.

ورود به حضور خدا و حکومت جهانی، به شخصیت انسانی یک نفر، مانند پسر انسان، اشاره دارد که او نیز الهی است. پیام دانیال مرموز است و تنها آمدن این پسر انسان به طور کامل روشن خواهد شد. دانیال مضطرب است و به سردرگمی خود در مورد معنای رؤیایش اعتراف می‌کند و برای تفسیر آن کمک می‌خواهد.

او هنگام نوشتن به جستجوی ما کمک می‌کند، اما مقدسین خدای متعال پادشاهی را دریافت خواهند کرد و پادشاهی را برای همیشه، تا ابد و ابد در اختیار خواهند داشت. دانیال ۷:۱۸. در اینجا، کسی مانند پسر انسان با مقدسین خدا، قوم او، یکی دانسته می‌شود.

بنابراین، به نظر می‌رسد که پسر انسان هم اشاره‌ای فردی و هم اشاره‌ای جمعی دارد، بسیار شبیه به وحش که نمایانگر پادشاهان و پادشاهی‌های آنهاست. پیامبر بیشتر در مورد جانوران تأمل می‌کند، اما نگرانی ما نه با آن جزئیات، بلکه با دوران باستان است، بلکه با زمانی که کهن‌الایام فرا رسید و داوری به نفع مقدسین اعلی انجام شد. زیرا زمان فرا رسیده بود و مقدسین پادشاهی را به دست گرفتند، آیه ۲۲.

خدا برای قوم خود می‌جنگد و اگرچه آنها متحمل ضرر می‌شوند، اما آنها را در پیروزی بر جانوران رهبری می‌کند. این اتفاق حتی زمانی رخ می‌دهد که جانور چهارم، به نقل از آیه ۲۳، تمام زمین را می‌بلعد و آن را خرد می‌کند. و یک پادشاه با خدا مخالفت می‌کند و قوم خود را سرکوب می‌کند، آیات ۲۴ و ۲۵.

دانیال وقتی وحی نهایی خود را در این مورد در آیات ۲۶ و ۲۷ بیان می‌کند، خسته شده است. اما دادگاه به قضاوت خواهد نشست و سلطنت او، یعنی حیوان چهارم، گرفته خواهد شد تا به آخر نابود و نابود شود. و پادشاهی و سلطنت و عظمت ممالک زیر تمام آسمان به قوم مقدسین حضرت اعلیٰ داده خواهد شد.

پادشاهی او پادشاهی جاودان خواهد بود و همه فرمانروایان به او خدمت و از او اطاعت خواهند کرد. باز هم جمعی و مفرد. جویس بالدوین، مفسر فوق‌العاده عهد عتیق، که معتقدم اکنون نزد خداوند است، این وضعیت را به طور دقیق ارزیابی می‌کند، نقل قول، آیه ۲۷، تفسیر آیه ۱۴، دلالت بر شناسایی بین قوم مقدسین و کسی مانند پسر انسان دارد و بنابراین باید در هر تلاشی برای رسیدن به معنای این عناوین، نقل قول نزدیک، حضور داشته باشد.

بالدوین تفسیری بر کتاب دانیال نوشت، تفسیر عهد عتیق تیندل بر کتاب دانیال. این تفسیر، مانند تمام نوشته‌های او، بسیار واضح و مفید است. رمز و راز باقی مانده و تمام جزئیات، حداقل برای من، روشن نیست، اما پیام اصلی دانیال قابل تشخیص به نظر می‌رسد.

کسی که مانند پسر انسان است، شخصیتی الهی-انسانی است که نماینده قوم خدا در پیروزی آنها بر قدرت‌های شیطانی زمین است. تنها آمدن عیسی مسیح، پسر انسان عهد جدید، رشته‌ها را به هم پیوند می‌دهد. قبل از اینکه دانیال کتاب مقدس را بنویسد، عهد عتیق از پسر انسان به عنوان انسانی ضعیف و فانی یاد می‌کرد.

انسان چیست که به او توجه کنی؟ پسر انسان که به او اهمیت دهی، تثنیه ۸: ۴. مزمور ۸ بازتابی از افتخار و سلطه‌ای است که به والدین اولیه ما داده شده است، خلقتی که در پیدایش ۱ آمده است. استفاده دانیال از واژه پسر انسان، به نوبه خود، به مزمور ۸ و پیدایش ۱ اشاره دارد، اما او به آن اشاره انسانی، ویژگی‌های الهی را نیز می‌افزاید. وقتی عیسی می‌آید، اغلب از خود به عنوان پسر انسان، همیشه به صورت سوم شخص، یاد می‌کند و شنوندگان خود را گیج می‌کند. عیسی پسر انسان در کتاب دانیال است، یک انسان واقعی و در عین حال خدا به واسطه تجسمش.

علاوه بر این، همانطور که کاربرد دانیال به پسر انسان اشاره دارد که هم یک فرد و هم یک جامعه از قوم خداست، عیسی نماینده قوم خود است. او قوم خدا را دوست دارد و به جای آنها می‌میرد. بنابراین او آنها را نجات می‌دهد و از این طریق کلیسای خود را بنا می‌کند، متی ۱۸: ۱۶. دانیال ما را به سمت یکی شدن پسر انسان با قوم خدا هدایت می‌کند و عیسی این رابطه را از طریق زندگی، مرگ و رستاخیز خود آشکار می‌کند.

قوم خدا، قوم خداوند عیسی مسیح هستند، کسی که آنها را دوست داشت و جان خود را فدای آنها کرد و برای همیشه آنها را از آن خود دانست. نتیجه‌گیری. نتیجه‌گیری.

پس از خلاصه کردن انبیای عهد عتیق و پیشگویی‌های آنها، سه تصویر عهد عتیق از منجی موعود را بررسی می‌کنیم. پسر سلطنتی داوود، بنده خداوند از اشعیا، و پسر انسان از دانیال. بررسی ما از قوم خدا، نبوت و مسیح، نقطه خوبی برای پایان دادن به بررسی قوم خدا در عهد عتیق است.

همچنین پلی به سوی مطالعه ما درباره قوم خدا در عهد جدید ایجاد می‌کند، زیرا آنچه آن را جدید می‌کند آمدن موعود، تجسم او به عنوان عیسی ناصری، برای نجات قومش از گناهانشان است. در سخنرانی بعدی

خود، به بررسی الهیات تاریخی کلیسا خواهیم پرداخت.

این سخنرانی توسط دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر ارائه شده است. این جلسه ۶، قوم خدا در عهد عتیق، کفار، عبادت، سرزمین، نبوت و مسیح است.